

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2022; 14(47): e18

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Textbooks of Medical Students in the First Centuries of Islam

Hamid Kavyani Pooya¹

1. Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Due to its antiquity, medical science has left achievements in every land, and the holders of this knowledge have long had methods for transmitting their achievements. One of the important goals of this research is to; After the writing of medical topics by physicians and the spread of medical works in the Islamic era, what texts did students use in teaching therapeutic profession? And can we refer to a method or measure in teaching and learning in these textbooks, or have the medical works all had a specific content, design and format? Another important point is which works were considered among pharmacy and pharmacology students and what texts did the professors use to test the skills of medical students?

Methods: The present research, by identifying important medical and historical sources and arranging and processing the data extracted from them, has described and analyzed the contents and in new researches and classical texts, has sought to identify the unknowns related to educational materials.

Ethical Considerations: In reference to texts and sources, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The findings of this study indicate that from the first centuries of the Islamic period, important works were considered by professors and students, some of which were translated texts that were pre-written for years or centuries or were written by the best physicians of that period.

Conclusion: In the Islamic era (Golden Age) due to the importance and comprehensiveness of some medical works, these writings or translations were introduced as textbooks at different levels of education and because it was necessary for students to learn and master the topics discussed in them; Apart from using some methods in facilitating education, students in different fields of medicine were sometimes tested to know the skills of scholars based on specific texts.

Keywords: Textbooks; Medicine; Pharmacology; Islamic Era; Medical Exam

Corresponding Author: Hamid Kavyani Pooya; **Email:** kavyani@uk.ac.ir

Received: January 03, 2022; **Accepted:** May 08, 2022; **Published Online:** September 21, 2022

Please cite this article as:

Kavyani Pooya H. Textbooks of Medical Students in the First Centuries of Islam. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2022; 14(47): e18.



مجله تاریخ پزشکی

دوره چهاردهم، شماره چهل و هفتم، ۱۴۰۱



مرکز تحقیقات تاریخ و حقوق پزشکی

متون درسی دانشجویان پزشکی در سده‌های نخستین اسلامی

حمید کاویانی پویا^۱ 

۱. گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دانش پزشکی به سبب برخورداری از قدمت و دیرینگی، در هر سرزمینی دستاوردهایی را به جای گذاشته و از دیرباز دارندگان این دانش برای انتقال دستاوردهای خویش روش و راهکارهایی را دارا بوده و در پیش گرفته‌اند. در این بین از اهداف مهم مطرح در این پژوهش آنکه پس از کتابت موضوعات طبّی توسط پزشکان و رواج آثار پزشکی در دوران اسلامی، طالبان این دانش از چه متونی در آموزش حرفه درمانگری بهره می‌بردند و آیا می‌توان در این کتب درسی به روش‌ها و یا تدابیری در تدریس و آموزش اشاره داشت و یا آثار طبّی همگی از یک طرح و قالب مشخصی برخوردار بوده‌اند؟ نکته مهم دیگر آنکه در بین محصلان داروسازی و داروشناسی کدام آثار مورد توجه بود و به هنگام ضرورت اساتید به منظور محک و آزمون مهارت دانشجویان پزشکی از چه متونی استفاده می‌کردند؟

روش: پژوهش پیش رو با شناسایی منابع مهم طبّی و تاریخی و چینش و پردازش داده‌های مستخرج از آن‌ها، به توصیف و تحلیل مطالب پرداخته و در تحقیقات جدید و متون کلاسیک در پی معلوم‌ساختن مجهولات در رابطه با مواد آموزشی برآمده است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که از همان سده‌های نخستین دوران اسلامی دروسی مهم مورد توجه اساتید و دانشجویان قرار گرفتند که برخی از آن‌ها متون ترجمه‌ای بودند که سال‌ها یا سده‌ها پیش نگارش یافته و یا تألیفاتی بودند که توسط بهترین پزشکان آن دوره پدید آمدند. مهم اینکه متون درسی و حتی نحوه تدوین آن‌ها با ظهور ترجمه‌ها و تألیفات جدید دچار تغییراتی شده و در تخصص‌های مختلف طبّی و در طی سنوات تحصیل آثار خاصی مورد توجه برای تدریس قرار می‌گرفت.

نتیجه‌گیری: در دوران اسلامی (عصر طلایی) به سبب اهمیت و جامعیت برخی آثار طبّی، این تألیفات و یا ترجمه‌ها به عنوان متون درسی در مقاطع مختلف تحصیلی معرفی گردید و به دلیل اینکه فراگیری و اشراف به موضوعات مطرح‌شده در آن‌ها برای محصلان ضروری بود، سوای به کارگیری برخی روش‌ها در تسهیل آموزش و به منظور ماندگاری مطالب در اذهان، برای آگاهی از مهارت دانش‌پژوهان گاه بر مبنای متونی مشخص، از دانشجویان در رشته‌های مختلف پزشکی آزمون گرفته شده و اطلاع از محتویات این آثار به عنوان ملاک و معیار مهارت دانشجویان قرار می‌گرفت.

واژگان کلیدی: متون درسی؛ پزشکی؛ داروشناسی؛ دوران اسلامی؛ آزمون طبّی

نویسنده مسئول: حمید کاویانی پویا؛ پست الکترونیک: kavyani@uk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Kavyani Pooya H. Textbooks of Medical Students in the First Centuries of Islam. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., Medical History. 2022; 14(47): e18.

مقدمه

علم درمانگری و دانش طبی مانند دیگر دستاوردهای بشری در نتیجه مرارت‌ها و مشقات علمی افرادی بوده که حاصل این کوشش را به عنوان علم در اختیار هم‌عصران و نسل‌های بعدی گذاشته‌اند. نکته مهم آنکه هر در آغاز انتقال این مفاهیم و دستاوردهای طبی از طریق شفاهی و سینه به سینه انجام می‌گرفت، اما با اختراع خط و به ویژه رواج فن کتابت و نوشتار بسیاری از این دارایی‌ها که تجربه هزاره‌ها و سده‌ها در جامعه بشری را تشکیل می‌داد مکتوب گردید و با مناسباتی که ملت‌ها و اقوام با یکدیگر یافتند و تسلطی که بر زبان‌های سرزمین‌های دور و نزدیک برای برخی افراد ممکن شد، حتی برخی آثار مهم علمی ترجمه شده و در اقالیم مختلف و روزگاران بعدی مورد بهره‌برداری طالبان این فنون قرار گرفت. در سده‌های نخستین دوران اسلامی و پس از تثبیت قدرت خلفای عباسی و شکل‌گیری حکومت‌های محلی در ایران، علوم مختلف دگرباره رونقی گرفته و تدریس و تحصیل دانش‌های مختلف به ویژه دانش پزشکی روزافزون گردید. به واقع طبق شواهد موجود یکی از وظایف پزشکان در این روزگار و حتی عصر باستانی ایران، تدریس علم طب به علاقمندان و طالبان این فن بود و در متون مختلف همواره توصیه بر آموزش طب از طریق اساتید شده و اینکه حداقل باید شخص علاقمند دانش پزشکی را نزد معلمی فراگیرد. در این میان پزشکانی که شاگردانی را برای آموزش در اختیار می‌گرفتند بر متونی طبی تأکید می‌کردند که از مسائل مهم و ابهامات اساسی این پژوهش بررسی فهرست این متون و آثاری است که به عنوان متون درسی نزد اساتید پزشکی معتبر بوده و به دانشجویان برای مطالعه و فراگیری آن تأکید می‌کردند. بر این اساس از نکات مهم و ضرورتی که سبب پرداختن بدین تحقیق شده است احساس خلأیی است که در تحقیقات اخیر درباره متون درسی دانشجویان پزشکی در سده‌های نخستین و عصر طلایی اسلامی وجود دارد، زیرا بدون فهم و آگاهی از منابع مورد استفاده و به طور کلی ماهیت آبخور اصلی دانشجویان پزشکی نمی‌توان از کم و کیف مهارت دانشجویان مطلع شد و

به طور کلی وضعیت پزشکی و آموزشی جامعه مسلمین در یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ را سنجد. بدین‌سان بررسی نحوه بهره‌بری از متون درسی، اعتبار آن‌ها و همچنین آثار مرتبطی که برای برخی تخصص‌های پزشکی مانند داروسازی و داروشناسی معرفی می‌شد و دانشجویان این رشته بدان‌ها رجوع می‌کردند، از ابهاماتی است که در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین با عطف بدین مهم که در برخی موارد در مراکز درمانی و توسط اساتید پزشکی و گاه دولتمردان برای محک‌زدن مهارت و تسلط دانشجویان بر دروس، از آن‌ها آزمون گرفته می‌شد، شناسایی و معرفی این متون و مواد درسی از اهدافی است که سعی گردیده بدان‌ها پرداخته گردد.

درباره ضرورت و پیشینه پژوهش در مورد مقاله مزبور گفتنی است که با توجه به اینکه در علم نوین، سعی بر آن است تا طب مکمل و روش‌های آن مورد آزمایش قرار گیرند تا در صورت مفیدبودن، از آن‌ها بهره‌برداری شود، می‌توان با واکاوی متون تاریخی و متونی که مورد تدریس دانش پژوهان علوم طبی قرار می‌گرفت از برخی روش‌های به کاررفته در این آثار در انتقال بهتر مفاهیم به دانشجویان و همچنین درمانگری یاری طلبید. به واقع روش‌های پزشکی جایگزین یا مکمل، در فرایند درمان حلقه‌ای گم‌شده می‌باشند که از دیدگاه تاریخ علم پزشکی مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است. بنابراین با بررسی متون مهم تعلیمی و معرفی دقیق آن‌ها می‌توان افزون بر آگاهی از روند و دستورالعمل‌های آموزشی مراکز طبی ایرانیان به منابع و آبخور اصلی دانش طبی و راهکارهای درمانی پزشکان اسلامی پی برد. همچنین در خصوص پیشینه پژوهش نیز گفتنی است که موضوع مطرح در این پژوهش در برخی کتاب‌ها و مقالات مورد اشاره قرار گرفته است با این تفاوت که این نوشتارها بدون واکاوی و بررسی متون درسی به طور کلی به منابع مهم و مطرح در دوران نخستین اسلامی پرداخته‌اند. در واقع با تأکید بدین مهم که مسأله اصلی مقاله مزبور «متون درسی دانشجویان پزشکی در سده‌های نخستین و عصر طلایی اسلامی» می‌باشد و در کنار آن به چگونگی انتقال مفاهیم پزشکی در بین برخی آثار توجه

می‌توان به پژوهش‌های متعددی اشاره کرد که در بین مباحث مطرح‌شده به معرفی آثار طبی و درون‌مایه آن‌ها در دوران اسلامی پرداخته‌اند، اما مسائل مهمی که مقاله مزبور با واکاوی منابع مهم طبی و تاریخی در دوران طلایی اسلامی به دنبال پاسخگویی به آن‌هاست، در نوشتارهای پیشین به بحث گذارده نشده است و سوای پراکنده‌گویی‌هایی که بدان‌ها اشاره شد، هیچ‌گونه پژوهش مستقلی در این میان موجود نیست.

روش

در این پژوهش بنا به ماهیت موضوع که بحثی توصیفی - تحلیلی را می‌طلبد، سعی گردیده است تا بر مبنای متون مهم طبی و تاریخی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به گردآوری و استخراج مطالب مرتبط با مسائل و ابهامات این تحقیق پرداخته شود و سپس با رویکرد توصیفی - تحلیلی به چینش و پردازش اطلاعات و دستیابی به نتیجه علمی نائل آییم.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در دوران اسلامی و با ادغام تمدن‌های مهمی همچون ایران و هند و مصر و برخی ممالک غربی به قلمرو اسلامی، دولتمردان و دانشمندان در عرصه‌های علمی نیز فعالیت نموده و با شکل‌گیری نهضت ترجمه که رویکرد مطلوبی به تألیفات دیگر ملل داشت، آثار بسیار مهمی در زمینه پزشکی و داروشناسی نگاشته شده و یا ترجمه گردید. در این میان برخی از این آثار توسط پزشکان مورد تدریس قرار گرفته و در تربیت و آموزش دانش‌پژوهان و دانشجویان پزشکی از آن‌ها در طول سال‌های تحصیلی بهره‌ها برده شد. با ظهور پزشکانی چون رازی و ابن سینا، طبری و جرجانی آثار پزشکان ایرانی نیز به منظور تدریس مورد توجه خاصی قرار گرفته و در سده‌های چهارم و پنجم قمری، تألیفات پزشکان ایرانی بیشترین حامیان را در جامعه پزشکان یافت و طالبان دانش پزشکی برای آموزش در رشته‌های مختلف طبی بدان‌ها رجوع می‌کردند و حتی برای آزمودن آن‌ها ملاک سنجش به شمار می‌رفت. افزون بر جامعیت و

شده است، می‌توان اذعان داشت که در هیچ پژوهش مستقلی بدین ابهامات پرداخته نشده است، اگرچه در لا به لای مطالب و در معرفی آثار مهم طبی، از آثاری که مد نظر مدرسین و اساتید طبی در دوران اسلامی بوده است، نامی به میان آمده است، اما پژوهشگران هیچ‌گاه منحصرأ و مفصلاً مسائل مطرح در این مقاله را پوشش نداده‌اند. به طور نمونه در کتاب‌های الگود (کتاب تاریخ پزشکی ایران و سرزمین خلافت شرقی، طب در دوره صفویه) به برخی کتاب‌ها و اخذ آزمون در فارغ‌التحصیلان پزشکی اشاره شده است که همه این داده‌ها در لا به لای مباحث و به طور پراکنده صورت گرفته است و به سبب عدم رویکرد نویسنده بدین مسأله هیچ‌گونه جامعیت و انسجامی در ارائه این مطالب در کتاب‌های مزبور دیده نمی‌شود. در همین راستا است تألیف دانشنامه تاریخ پزشکی در اسلام و ایران، اثر مهدی محقق و کتاب «پزشکی در تمدن اسلامی» که نویسنده Donald Campbel، هرچند به متون مهم طبی در این کتاب اشاره کرده و آثار مهم دوران طلایی اسلامی که ترجمه گردیده و یا از طریق مترجمین اسلامی (مانند آثار جالینوس) به غرب راه یافته است، را معرفی نموده است، اما دغدغه و مسأله نویسندگان (Campbel و محقق) نه متون تعلیمی و درسی است و نه به آثار مهم و مستندی که مورد نظر ما در مقاله بوده رجوع کرده‌اند. بدین سان هیچ نوع ارتباط و حتی همسانی ابهامات بین مطالب بین مقاله مزبور و کتاب‌های مذکور وجود ندارد.

همچنین در مقاله‌ای که در دانشنامه جهان اسلام تحت عنوان «پزشکی» نوشته شده است، نویسندگان به مباحثی همچون پزشکی ایرانیان در دوره پیش از اسلام، پزشکی اعراب در دوره پیش از اسلام، پزشکی در دوره اسلامی و تألیفات پزشکی پرداخته‌اند، اما در هیچ بحثی به طور تخصصی حتی به معرفی متون پزشکی که منحصرأ و مخصوصاً در مراکز، مدارس و اماکن طبی به طالبان علوم پزشکی آموخته می‌شد، پرداخته نشده است، بلکه با معرفی برخی آثار مهم طبی به درون‌مایه این کتب (به طور کلی) و برخی درمان‌ها و روش‌های درمانگری مندرج در این آثار بسنده شده است. بنابراین اگرچه

قوت علمی متون مزبور، یکی از دلایلی که اقبال از این آثار را در نزد دانشجویان و دانش‌پژوهان علم طب بیش از آثار دیگر می‌نمود، ابتکار و متدی بود که برخی از پزشکان در انتقال مفاهیم طبی به دانشجویان و شاگردانشان داشتند. بدین‌صورت که با ساده‌نویسی و نگارش کتاب‌هایی مختصر (خلاصه‌نویسی) و همچنین منظوم‌گردانیدن برخی متون، انتقال علوم طبی به دانش‌پژوهان به شیوه آسان‌تر و بهتری انجام گرفت.

بحث

۱. منابع درسی و امتحانی دانشجویان و دانش‌پژوهان

پزشکی

۱-۱. متون درسی دانشجویان پزشکی و مراحل آموزش

این دروس: در دوران اسلامی و از سده‌های سوم هجری به بعد با توجه به آرامش نسبی حاصله از فروکش کردن فتوحات مسلمانان و گسترش قلمرو و همچنین با برافتادن امویان که به دانش و دانشمندان بهایی قائل نبودند، شاهد برپایی و یا رونق دگرباره مراکز علمی، درمانی و آموزشی مختلفی هستیم که شاگردان و طالبان علم را در محضر اساتید گرد هم آورد. در این بین آموزش پزشکی و شیوه‌های مختلف درمانگری از سوی خاندان‌های پزشکی جندی شاپوری و پزشکان ایرانی و انیرانی در قلمرو اسلامی با الگوبرداری از مراکز قدیمی به نسبت دیگر علوم، ترویج و رونقی دوجندان یافت. برآستی به سبب کاربرد و کارکردی که درمانگری در جوامع داشت، دولتمردان و توده مردم بدان اهمیتی خاص قائل بوده و طالبان این علم نیز به نسبت دیگر علوم اشتیاقی خاص در فراگیری آن بروز می‌دادند. در این بین طبق اسناد موجود، آموزش پزشکی امری بوده که فراگیری آن به صورت تئوری و عملی انجام می‌شده و پزشک حاذق کسی بود که نزد اساتید به این دو روش علم طب را آموخته باشد. در واقع بخشی از علم طب از طریق خواندن و یا فراگرفتن به طور شفاهی و یا مکتوب صورت می‌گرفت و نیازی به تمرین عملی و تجربی نداشت و بخش مهم‌تر، اما کاربردی، روشی بود که با تمرین و

تجربه از طریق مشاهده بیمار از نزدیک و ارتباط مستقیم با اعضای بدن حاصل می‌آمد (۱-۲).

باری سوای تدریس طب و فراگیری این دانش به گونه بالینی و تجربی، آنچه مسلم است و اسناد و شواهد حاکی از آنند، این است که معمولاً پزشکان و اساتید طب در روزگار اسلامی از آثاری در تدریس بهره می‌بردند و دانش‌پژوهان افزون بر دریافت تجربیات طبی نزد اساتید، با مطالعه و فراگیری این آثار طبی بود که خود را حاذق در پزشکی و متخصص در این حرفه می‌دانستند و شایسته می‌شدند که آدمی «تدبیر جان» را بدان‌ها بسپارد (۳). همان‌گونه که ایرانیان را می‌توان بانی نخستین بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و روش‌های آموزشی در دوران اسلامی قلمداد کرد، می‌توان چنین ادعان داشت که در این بین همچنین ایرانیان و پزشکان جندی شاپوری و یا شاگردان آن‌ها نخستین کسانی بودند که کتب ایرانی (پهلوی) و یونانی را در دوران اسلامی به عربی برگردانده و موجب آشنایی اعراب با طب تمدن‌های دیگر شدند، به طوری که گفته شده؛ جورجیس نخستین پزشکی بود که کتاب‌هایی را برای منصور از زبان یونانی به عربی برگرداند (۵-۴) و حنین بن اسحاق شاگرد یوحنا بن ماسویه، کتاب «کناش» (= مجموعه یادداشت‌های پزشکی) جورجیس را از سریانی به عربی برگردانید (۴) و این نخستین کتاب پزشکی بود که در دوره عباسیان به عربی ترجمه شد (۶). همچنین گزارش شده است که جبرئیل بن بختیشوع به درخواست صاحب بن عباد (وزیر ایرانی دیلمیان، متولد ۹۳۸ م.) رساله‌ای درباره خون نگاشت و این کناش کبیر را موسوم گردانید به «کافی» و نسخه‌ای از آن را وقف دارالعلم بغداد نمود و در بیمارستان بغداد بنای عمل بر آن نهاده شد (۴، ۷).

در واقع نخستین مکتوبات و ترجمه‌های طبی در دوران اسلامی را می‌توان در زمره نخستین کتب درسی برای دانش‌پژوهان علم طب نیز برشمرد، به گونه‌ای که به طور نمونه «ابومنصور حسن بن نوح القمیری بخاری» (در سده چهارم قمری) در مقدمه کتاب خود «التنویر» که پیش از کتاب «قانون» (به زبان پارسی) در درمان امراض گوناگون نگارش

یافت و ذکر است که حتی ابن سینا در مجالس درس وی حاضر می‌شد (۸)، متذکر می‌شود که «آن را برای پزشکان نگاشته تا با آموختن آن از تصفح و تفحص و مراجعه و تحقیق و تتبع در مدارک و مآخذ بسیار و کتب بشمار مستغنی و بی‌نیاز آیند» (۸) و زکریای رازی در الحاوی و ابن سینا در قانون بسیار به اقوال و آرای طبیبی قمری اشاره کرده‌اند. همچنین مجوسی اهوازی کتاب «کامل الصناعه» خود را به عنوان یک کتاب درسی تألیف کرد و گفته می‌شود این کتاب و کتاب هم درس وی ابوالحسن طبری به نام «المعالجات بقراطیه» اولین کتاب‌های واقعی آموزشی مجموع علم طب در ادبیات جهان به شمار می‌آیند (۹).

بر این اساس سواى کتاب‌های مذکور که در روزگار خود به عنوان کتب درسی و آموزشی مورد استفاده قرار می‌گرفت، در برخی منابع به برخی کتاب‌های خاص اشاره می‌رود که در مراحل مختلف آموزشی و به تدریج در مراکز علمی تدریس می‌شده است. در این باره طبق نوشتار «نظامی عروضی» (نویسنده ایرانی سده ششم قمری)، پزشک باید «فصول بقراط»، «مرشد رازی» و «مسائل حنین بن اسحاق» را مطالعه کند و در مراکز پزشکی کهن کتب مذکور در سال نخست تحصیل تدریس می‌شد (۳)، البته پیداست که معمولاً در طول دوران‌ها و با گذر زمان این مواد درسی مورد تغییر قرار گرفته و محتوای آن‌ها تلخیص و یا تکمیل شده و برخی از آثار نیز کمتر مورد رجوع قرار می‌گرفت، به طوری که گفته می‌شود «حبیبش الاعسم» خواهرزاده حنین بن اسحاق بود که «کتاب «مسائل حنین» را در طب تمام کرد و آن را برای دانش‌آموزان طب حاضر کرد و مقدمه ورود در این صنعت قرار داد (۴)، به هر روی کتاب‌های مزبور تا سال‌ها مورد رجوع دانش‌پژوهان بود، مانند کتاب فصول بقراط که در خصوص آن ابن جلجل می‌نویسد تا روزگار عبدالرحمن بن الحکم (فرمانروای اموی در اندلس ۲۳۷-۲۰۷ ق.) مرجع پزشکان نصرانی (که جز ایشان اطبای دیگری در اندلس نبودند) در تعلیم علم طب کتاب فصول بوده است (۱۰).

آنچه از شواهد برمی‌آید، در عصر طلایی اسلامی و از سده چهارم قمری که با آثار مهمی در عرصه پزشکی و داروسازی مواجه می‌شویم در متون درسی دانشجویان تغییراتی ایجاد می‌شود و پرواضح است که محصلان پزشکی در هر دوره و بر مبنای سنوات تحصیلی منابع جدید و متفاوتی را می‌آموختند. به این ترتیب که در سال‌های دوم به بعد کتاب «ذخیره ثابت بن قره» و کتاب «کناش المنصوری فی الطب رازی»، «هدایه ابوبکر اخوینی» و کتاب «اغراض الطبییه سیداسماعیل جرجانی» را می‌خواندند و در دوره‌های عالی تألیفات «سته عشر (۱۶ کتاب) جالینوس»، «حاوی رازی»، «الملکی علی بن عباس اهوازی»، «صد باب ابوسهل مسیحی»، «ذخیره خوارزمشاهی» و مهم‌تر از همه «قانون ابن سینا» را نزد استادی مشفق مطالعه می‌کردند (۳، ۱۲). در واقع برخی از این کتب مانند «الکناش المنصوری فی الطب» برای ۵۰۰ سال برای تربیت پزشکان به کار می‌رفت و به همراه حاوی به عنوان کتاب درسی و راهنمای عملی پزشکی در آموزش اطبا به کار گرفته می‌شد (۱۴-۱۳). نظامی عروضی پس از برشمردن کتاب‌هایی که آموختنش لازمه هر پزشک است، می‌گوید: «اگر خواهد که از این همه مستغنی باشد به قانون کفایت کند» (۳)، چراکه با نگرش دقیق به این کتاب می‌توان دریافت که کامل‌ترین شرح با رویکرد آموزشی - نظری را باید در کتاب ابن سینا مشاهده کرد.

با این حال منبع درسی محدود به مواردی نیست که در چهار مقاله بدان‌ها اشاره می‌شود و آنچه مشخص است تمام دانش پژوهان علوم طبی و رشته‌های مختلف پزشکی هیچ‌گاه به یک یا دو کتاب اکتفا نمی‌کردند و گاه در خصوص برخی تخصص‌ها به کتب خاصی برمی‌خوریم که به عنوان کتاب درسی و مرجع برای دانشجویان مورد تدریس قرار می‌گرفته است. به طور مثال «علی بن عیسی کحال» پزشک مسیحی که در بیمارستان عضدی بغداد تدریس می‌کرد، کتابی در آموزش چشم پزشکی (به نام تذکره الکحالین) نگاشت که «در حکم قانون چشم پزشکی عرب‌ها بود» و به اذعان Hirschberg «طی ۸۰۰ سال پس از آن به ندرت کتاب درسی در زمینه چشم‌پزشکی نوشته

شده است» (۹). همچنین یکی دیگر از کتب طبی تخصصی که در آموزش بین اطبا رواج داشت اثر متعلق به عمار بن علی موصلی (به لاتینی: Canamusali) پزشک سده چهارم قمری بود. در واقع از جنبه‌های مهم کتاب «المنتخب فی علم العین و عللها و مداواتها بالادویه و الحديد»، جنبه آموزشی آن است. این کتاب سال‌ها جزء کتب درسی مهم پزشکی در دانشگاه‌های دوره اسلامی بوده و به خاطر حجم اندکش یک کتاب همراه محسوب می‌شده است. خود موصلی به جنبه آموزشی بودن کتابش اشاره کرده، گوید: وقتی به اعمال جراحی خصوصی می‌پرداخته، دو یا سه نفر شاگرد او را همراهی می‌کرده‌اند و در بیمارستان‌ها که به اعمال جراحی عام می‌پرداخته، شاگردان بسیاری دوروبرش جمع می‌شدند تا تعلیم ببینند (۱۵). این در حالیست که سوای دروس طبی حتی دانش طب دارای علوم مرتبطی بود که ناچار طبیبان از آن علوم نیز باید سررشته‌ای می‌داشتند که در این سطور مجال پرداختن بدان‌ها نیست تنها باید متذکر گردیم که به طور مثال «طالب علم طب پیش از آغاز فراگیری علم پزشکی باید کتب منطق و کتاب‌های آموزشی چهارگانه را که حساب و هندسه و نجوم و الحان اند، بخواند» (۲).

بدان‌گونه که در فهرست کتاب‌های مورد تدریس در فوق اشاره گردید برخی متون در زمره آثار ترجمه‌ای بودند که از منابع یونانی به زبان عربی و برای استفاده دانش پژوهان و پزشکان برگردانده شده بود. در این بین می‌بایست برای برخی از این آثار جایگاه ویژه‌ای قائل شد. از این شمار است، کتاب سته عشر جالینوس. این کتاب به عنوان یکی از کتب مهم درسی گزارش شده است که اطبای دوران اسلامی مجموعه‌ای شانزده‌گانه از آثار جالینوس را گردآوری، خلاصه، تفسیر و شرح نمودند و ترتیب خاصی نیز برای مطالعه این آثار پدید آوردند و هر روز بخشی از این آثار را در مکتب پزشکی خود می‌خواندند (۴، ۷). به نوشته حنین بن اسحاق، پزشکان اسکندرانی در پاره‌ای از آثار جالینوس تغییراتی دادند، در بعضی موارد چند عنوان را درهم ادغام نمودند و کتاب جدیدی پدید آوردند و با تغییر کاربرد آموزشی آن‌ها، به جای مخاطب

عام، آن‌ها را خاص دانشجویان پزشکی کردند (۱۱). این مجموعه (سته عشر) در عصر اسلامی در دو سطح علمی و عملی تدریس می‌شد: چهار عنوان نخست برای سطح اول، و دوازده کتاب دیگر برای سطح دوم (۱۶). در واقع چنانکه مشهود است و از تألیفات افرادی چون ابن ابی‌اصیبه که به شرح حال پزشکان و پزشکی رایج در دوران خویش می‌پردازد، برمی‌آید: خواندن برخی کتب جالینوس برای طالبان دانش پزشکی ضرورت داشته است و کتاب‌های خاصی از این پزشک را در مراتب و مراحل مختلف دانشجویان پزشکی مطالعه می‌کردند. از این شمارند کتاب «اسطقسات» که مخصوص کسانی است که قصد تکمیل علم طب را دارند؛ در مرتبه دوم تعلیم کتاب‌هایی از جالینوس قرار دارند که تمام در امر طبیعی بدن می‌باشند؛ در مرتبه سوم ابن ابی‌اصیبه یک کتاب که در شش مقاله تنظیم شده است را برمی‌شمرد با عنوان «العلل و الاعراض» و در مرتبه چهارم از تحصیل طب، کتاب «تعرف علل الاعضاء الباطنه» (در شش مقاله) باید خوانده شود و همین‌طور تا مرتبه هفتم که کتب مشخصی ذکر می‌گردد (مانند تدبیر الاصحاء و کتاب الاغذیه) (۴)، البته بدان‌گونه که در برخی تألیفات پزشکی شاهد آن هستیم تمامی پزشکان دوران اسلامی به کتاب‌های مشخص جالینوس برای تعلیم طب تأکید ندارند و برخی همچون ابن خمار (متوفی ۳۳۱ قمری) به کتاب‌های دیگری از جالینوس توجه دارند که «طبیب ناچار از دانستن آن‌ها می‌باشد» (۴).

آنچه مسلم است به تدریج و با گذر زمان بر کتاب‌های مزبور افزوده شد و در متون درسی دانشجویان تغییراتی داده شد، زیرا بر اساس نیازها و ضرورت‌هایی برخی اساتید که شاگردانی نزد خود داشتند، دست به تألیف آثاری زدند تا دانشجویان بر مبنای آن‌ها در بخش طب نظری مهارت یابند. از این شمار بود، رساله‌ای که «ابن مندویه اصفهانی» خطاب به پزشکان بیمارستان اصفهان نوشته است، یعنی رساله الی المتقلدین علاج المرضى بیمارستان اصفهان و نیز آثاری از «امین الدوله ابن تلمیذ» همچون الموجز البیمارستانی و مقاله الامینیه فی الادویه البیمارستانی (۱۷). به واقع با توجه به اینکه

ترجمه شده بود و پایه کار داروسازی و داروشناسی اندلسی‌ها شد و از آن پزشکان و دانش پژوهان دانش پزشکی و داروسازی بهره‌ها گرفتند (۱۰). همچنین به عنوان منبع درسی مهم در داروشناسی و داروسازی باید به کتاب «القرابادین فی البیمارستانات» اشاره داشت. «شاپور بن سهل» (متوفی ۲۵۵ ق.) واپسین رییس بیمارستان جندی شاپور در این اثر به تفصیل ادویه مرکبه که برای بیماری‌های مختلف ساخته می‌شده و در بیمارستان مورد استعمال قرار می‌گرفته را بیان کرده بود. این کتاب به سبب اهمیت به عربی برگردانده شده و به عنوان کتب مهم طبی در آموزش پزشکی مورد استفاده قرار گرفت و حتی در آثار دیگر اطباء دوران اسلامی بدان بسیار تأکید شده و ارجاع داده می‌شد (۱۲، ۲۰). در کنار آثار مزبور به عنوان اثری مهم در داروشناسی کتاب «القرابادین» یوحنا بن ماسویه قابل ذکر است که درباره داروهای مرکب بحث می‌کند (۱۹) و به عنوان منبعی برای داروسازان و دارو درمانان معرفی شده است. در شهرت نویسنده آن همان بس که در الصیدنه که به پزشکان بسیاری اشاره می‌رود و از برخی از آن‌ها تنها یک بار و یا کمتر از ده بار نام برده می‌شود از ابن ماسویه یکصد و پانزده بار یاد می‌گردد (۱۹).

افزون بر موارد فوق‌الذکر کتاب‌های دارویی که مورد رجوع داروسازان و محصلان این فن بود عبارت بودند از کتاب النبات: ابوحنیفه احمد بن داود دینوری (متوفی ۲۸۲ ق.) که به سرعت نیز به جمع کتب آموزشی برای طالبان پزشکی افزوده شد. این کتاب که از اطلاعات گیاهی نیز آکنده بود، برترین کتاب در زمینه گیاه‌شناسی بوده و حتی از آثار تنوفراستوس و دیوسکوریدس برتر است و بعدها فراوان مورد رجوع قرار گرفته و از آن نقل قول شد (۲۲-۲۱). همچنین در زمره کتب مورد ارجاع پزشکان و داروسازان کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» تألیف ابومنصور مَوْقَّق هَرَوِی (سده ۴ و ۵ ق./ ۱۰ و ۱۱ م.)، پزشک و داروشناس ایرانی و مؤلف کهن‌ترین کتاب فارسی موجود در داروشناسی بود که افزون بر تجربیات خویش از دستاوردهای اساتید و کتب پیشینیان در این فن بهره برده

بیمارستان‌ها در کنار ارائه خدمات درمانی و بهداشتی، مراکز اصلی آموزش پزشکی نیز به شمار می‌رفتند و دانشجویان در این مراکز در کنار طب نظری بر بالین بیماران به آموزش عملی درمانگری می‌پرداختند (۵، ۱۸)، این آثار در این راستا پدید آمدند.

۲-۱. متون درسی محصلان دارو شناسی و داروسازان:

در کنار دانش پژوهان علم طب، به عنوان شاخه و تخصصی در درمانگری، می‌توان به افرادی اشاره داشت که دانشجویان دانش طب در مراکز دیگر و با شیوه متفاوت و دروس مختلفی در طلب فراگیری دانش طبی قلمداد می‌شدند. این افراد که با عنوان داروشناسان و داروسازان شناخته می‌شدند، همانند پزشکان به گونه‌هایی و در مراکزی به تحصیل و فراگیری داروشناسی و داروسازی می‌پرداختند. در منابع طبی داروسازی با نام «صیدله» و مسئول امور دارویی بیمارستان «صیدلانی» نام داشت (۱۹). طبق شواهد موجود در شراپخانه‌های اسلامی آموزش ادویه مرکبه و شناخت مفردات طبی ضرورت داشت و به صورت نظری و کاربردی محصلان این رشته مورد آموزش قرار می‌گرفتند. بیرونی در کتاب خویش به اهمیت یادگیری این فن به صورت کتبی و شفاهی اشاره کرده و می‌نویسد که این فن را باید با تقلید و از طریق شنیدن تحصیل کرد و ارتقای آن از طریق آموزش در محضر اساتید مجرب میسر می‌گردد، سپس از طریق کارورزی درازمدت و ممارست می‌توان بدان دست یافت (۱۹). بنابراین همان‌گونه که بیرونی نیز در گردآوری اطلاعات خود بدان مبادرت می‌ورزد، آموزش علم داروشناسی و داروسازی هم از طریق تئوری و آموزش از طریق کتب دارویی موجود در محضر اساتید و هم از طریق عملی، یعنی گردش و جستجو در طبیعت انجام می‌پذیرفت. در این بین و با توجه به مسأله مورد بررسی در این پژوهش، از کتب طبی بسیار مهمی که در زمینه داروها و ساخت و چگونگی آن‌ها در دوران اسلامی در بین پزشکان شهرت داشته و بر اساس آن به ساخت و تجویز دارو پرداخته می‌شد، کتاب دیوسکوریدس بود که توسط حسدای یهودی (حسدای بن شبروط الاسرائیلی) به عربی

است (۲۳). در پی کتب مزبور می‌توان به کتاب «صیدنه» ابوریحان بیرونی و «موجز» ابن تلمیذ (متولد ۵۶۰ ق.) به عنوان راهنمای داروسازی و شناخت گیاهان دارویی اشاره کرد. در این بین بیرونی در کتاب صیدنه اسامی ۴۵۰۰ داروی گیاهی و حیوانی و ماده معدنی و فراورده‌های آن‌ها را بر حسب خواص کاربرد درمانی و محل جغرافیایی آن‌ها به زبان‌های یونانی و عربی و هندی و سریانی و سندی و زبان‌های ایرانی کهن از قبیل خوارزمی و لهجه‌های رایج شهرهای ماوراءالنهر و خراسان و سیستان آورده است و طریق استفاده از دارو و ضرورت آن را به طبیبان گوشزد و پیشنهاد نموده است. در واقع بدین سبب کتاب الصیدنه مورد توجه طالبان حرفه داروسازی و داروشناسی قرار گرفت که ابوریحان در آن از منابعی همچون کتب و آثار دانشمندان و اطبا و داروسازان پیش از اسلام و دوره تمدن اسلامی تا زمان خودش به اضافه تحقیقات و اطلاعات شخصی وی استفاده کرده است. بیرونی در این بین از ۲۵۰ مؤلف که از آثار آن‌ها در الصیدنه بهره برده نام می‌برد. همچون سموم: شاناق هندی، قرابادین: شاپور بن سهل، الابنیه: ابومنصور موفق هروی و بسیاری از نویسندگانی که مشهور نیستند و از آثار آن‌ها چیزی نمی‌دانیم (۱۹).

۳-۱. دروس و مواد امتحانی پزشکان: در عصر اسلامی تدریس طب نظری/ تئوری بر مبنای کتب مزبور بدین گونه بود که استاد درسی را در کلاس‌ها معمولاً با خواندن بخشی از کتاب درسی آغاز می‌کرد و درس را غالباً یکی از دانشجویان ممتاز کلاس می‌خواند که «مُعید» نامیده می‌شد. وظیفه «مُعید» تکرار درس استاد با صدای رسا (به منظور شنیدن سخنان استاد توسط همه دانشجویان) و توضیح مطالب مشکل پس از پایان درس بود (۲۵-۲۴). در واقع به سبب برتری خاصی که معید نسبت به دیگر دانشجویان داشت گاهی نیز به جای استاد، تدریس می‌کرد و به ویژه اینکه پس از پایان درس و رفتن استاد، درس را برای دانشجویانی که نیاز به راهنمایی داشتند، بازگو می‌کرد و آن‌ها را در فهم قسمت‌های مشکل درس یاری می‌داد (۵، ۲۶-۲۷) و گاه به مقام استادی نیز نائل می‌آمد. همچنین بدان گونه که در دوران باستان رایج بود، روال

بر این بود که شاگردان پزشکی بعد از مدتی تحصیل و کسب تجربه عملی در پزشکی پس از دادن امتحان و موفقیت در آن طبیب می‌شدند و معمولاً گواهینامه فارغ‌التحصیلی پزشکی را یکی از اطبای معروف و رئیس بیمارستان امضا می‌کردند (۲۸). در واقع چنین مقرر شده بود که دانشجویان پزشکی پس از آنکه تعلیمات نظری و عملی را فرا گرفتند، رساله‌ای - همچون پایان‌نامه‌های امروزی - بنویسند و اگر آن رساله مقبول استادان بود حق طبابت دارند و نیز مقرر بود که دانشجویان پس از فراغ از تحصیل، سوگند بقراطی را ادا کنند (۲۹). در این بین دانش پژوهان علم طب برای اثبات آموخته‌های طبی خویش می‌بایست آزمون دهند و این آزمون نیز معمولاً بر مبنای برخی متون از آن‌ها اخذ می‌گردید. به دیگر سخن در کنار کتب درسی مذکور که دانشجویان ملزم به فراگیری آن بودند، به برخی کتاب‌ها و رسالات نیز اشاره می‌شود که دانش آموختگان پزشکی می‌بایست به منظور اخذ مجوز آن‌ها را فراگیرند و آزمون پزشکان از طریق این کتاب‌ها انجام می‌گرفت. از این شمار بودند: «محنه افضل الاطبا» جالینوس و «کتاب محنه الطیب» یوحنا بن ماسویه (۴) و نیز کتاب‌هایی چون ترکیب الادویه اثر جالینوس به ترجمه حبیب اعسم، بخش ششم کتاب کناش پاولوس ایگنیایی به ترجمه حنین بن اسحاق، کتاب (یا رساله) موسوم به «فی الجراحات و المراهم» و کتاب «المسائل فی الطب للمتعلمین» از حنین بن اسحاق که حبیبش آن را تکمیل کرد (۳۰).

در واقع آن گونه که از منابع موجود برمی‌آید، افزون بر اساتید که شاگردان خود را با آزمون‌هایی محک می‌زدند، در بیمارستان‌های دوران اسلامی شخصی با عنوان «محتسب» وجود داشت که وظیفه اصلی‌اش آزمودن پزشکان و تأیید مهارت آنان در درمانگری بود. این شخص با توجه به کتبی همچون کتاب «معرفه محنه الکحالیین» (در امتحان چشم پزشکان) و دغل العین: یوحنا بن ماسویه و «حنین بن اسحاق» یعنی «عشر مقالات فی العین» موظف بود تا چشم پزشکان را بیازماید. در بین این کتابها، تألیف عشر مقالات فی العین چندان مقبول پزشکان دوره اسلامی بود که دست

داشته باشند و در مواقع لازم از آن‌ها بهره‌مند گردند. بدین روی است که در چهار مقاله پس از برشمردن کتاب‌های ضروری که طالبان علم طب باید در طول تحصیل می‌خواندند، به دلیل فوق‌الذکر تأکید می‌گردد که اطبا باید از این کتب کم‌حجم (صغار) که استادان مجرب تصنیف کرده‌اند، همراه داشته باشند، «تحفه الملوك محمد بن زكريا»، «كفايه ابن مندويه اصفهاني»، «تدابير انواع الخطا في تدبير الطبي ابوعلی»، «خفی علانی» و یادگار اسماعیل جرجانی» (۳). بنابراین برای ساده‌ترکردن و شرح مسائل مهم و مشکل کتب درسی آثاری پدید آمد که اهمیت به سزایی را دارا بودند. مانند: شروح موسی بن میمون بر قانون ابن سینا و بر فصول بقرات (از متون درسی مهم پزشکی) که از جمله کتاب‌هایی بودند که استادان مطالعه آن‌ها را به دانشجویان طب و جراحی توصیه می‌کردند (۳۵). بدین ترتیب آثار فوق‌الذکر را نیز باید در فهرست کتاب‌هایی برشمرد که برای طالبان دانش پزشکی آموختن آن و احاطه به مسائل و محتوای آن‌ها لازم شمرده می‌شده است.

در تسهیل آموزش و به ویژه در فرایند ساده‌ترکردن متون درسی برای فهم بهتر دانش‌پژوهان حتی برخی پزشکان پا فراتر از تلخیص آثار و ساده‌نویسی گذارده و با منظوم‌ساختن آثار و نوشتن شروح بر متون در آموزش پزشکی در دنیای اسلام و ایران زمین به طور مؤثری تأثیرگذار گردیدند. در این‌باره گفتنی است که «حکیم میسری (خراسانی)» از پزشکان سده چهارم صاحب اولین اثر منظوم با نام دانشنامه میسری در علم پزشکی به نام دانشنامه است که در سال ۳۶۷ تا ۳۷۰ قمری نوشته شده است. این اثر که در یادگیری مباحث طبی برای طالبان علم طب مؤثر واقع شد، متشکل از معرفی و شرح دردها و درمان بیماری‌ها (از موی سر تا ناخن پای) بود. ناگفته نماند که برخی از آثار مهم‌ترین پزشکان ایرانی نیز منظوم بود، به گونه‌ای که برای «محمد بن زکریا الرازی الطیب»، تصانیف معتبری برشمرده شده است (۳۶) و درست نیمی از آثار طبی ابن سینا، یعنی هشت اثر وی رسالات منظوم است؛ در باب موضوعاتی از قبیل ۲۵ علامت

کم تا سده هشتم، محتسبان، داوطلبان کحالی را با آن می‌آزمودند (۳۱) همچنین طبق گفته شیرزی در کتاب «فی الحسبه علی الاطبا و الکحالیین و المجبرین و الجرائحین»، شکسته‌بندان را با «کناش بولص/ پولس» و جراحان را با «قاطاجانس» (ترکیب الادویه علی الجمل و الاجناس) جالینوس و کتاب «التصریف لمن عجز عن التألیف» زهراوی امتحان می‌کردند» (۳۲).

۲. اعمال برخی روش‌ها و راهکارها در کتب درسی برای انتقال بهتر مفاهیم طبی: نکته قابل ذکر در ذیل بحث متون طبی و مواد درسی پزشکان آنکه سوای کتاب‌های مذکور و البته با کثرت منابع طبی که با گذر ایام و ظهور پزشکان به نام و آثار تألیفی و ترجمه‌ای پدیدار شد، به تدریج دانشجویان به خواندن کتاب‌هایی راغب شدند که در عین جامع‌بودن ساده و قابل فهم نیز باشد. در واقع به تدریج حتی پزشکان و استادان دانش پزشکی که با دانشجویان و دانش‌پژوهان و تدریس در کنار درمانگری سروکار داشتند، به فکر تدابیر و راه‌هایی افتادند تا بدین وسیله انتقال مفاهیم و دستاوردهای طبی بهتر و سهل‌الوصول‌تر گردد. در این راستا یکی از راهکارها، نگارش متون طبی - آموزشی به زبان ساده و اختصار بود، چنانکه در خصوص علت تألیف کتاب مفتاح الطب (کلید دانش پزشکی) نقل است که ابن هندو پیش از این اثر مقاله‌ای تألیف کرده بود که از جهت سهل‌المأخذ بودن مورد توجه دانشجویان قرار گرفت. بنابراین دانشجویان از او خواستند که مقاله‌ای در علم پزشکی بر همان اسلوب و روش بنویسد و ابن هندو به خواسته آن‌ها اثر مزبور را نگاشت (۳۳). همچنین طبق گفته اخوینی «هدایه المتعلمین» به خواست فرزندش با هدف آموزش پزشکی به مبتدیان با زبانی ساده و شیوا نوشته شده (۳۴) و از آن زمان به عنوان راهنمای دانشجویان پزشکی و مأخذی برای شناخت بیماری‌ها و تجویز داروی آن‌ها بوده است. به عبارتی هرچند دانشجویان پزشکی در هنگام تحصیل می‌بایست دروس و کتاب‌هایی را خوانده و فراگرفته باشند، اما به سبب اینکه نمی‌توان چندان به حافظه اکتفا و اعتماد کرد، شایسته بود که برخی کتاب‌های جامع و البته ساده و کم‌حجم را همراه

انجام نامطلوب بیماری و قواعد حفظ الصحة و داروهای امتحان شده و یادداشت‌های تشریحی و نظایر آن. ابن سینا، افزون بر قانون چند نوشته دیگر نیز در پزشکی دارد که در این بین چند اثر با عنوان ارجوزه قابل ذکرند و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: الارجوزه فی الطب که ۱۳۲۶ بیت را دربر می‌گیرد و در آن به مباحث حفظ الصحة پرداخته شده است. همچنین «ارجوزه فی المجربات» و الارجوزه فی الطب فی الفصول الاربعه (۳۸-۳۷). بدین‌سان حتی مشاهده می‌شود که پزشکان نامداری همچون ابن سینا بدین منظور که در طالبان دانش پزشکی ایجاد نشاطی کنند و حفظ مطالب متون طبی را برای آنان آسان گردانند، مطالب پزشکی را به نظم درآوردند و به سبب اهمیت و تأثیر این روش حتی برخی پزشکان در دوران‌های بعد مهم‌ترین کاری که کردند و اثری که تألیف یا ترجمه کردند، کتاب‌هایی طبی به زبان شعر بود که سال‌ها به عنوان آثار مهم درسی مورد تدریس آن‌ها در محافل درسی بود. از این قبیل است، مهم‌ترین اثر چغمینی در زمینه پزشکی که کتابی نیست جز تلخیص و البته ترجمه منظوم کتاب قانون ابن سینا که وی آن را در سال ۶۱۸ به زبان شعر بازگو کرد (۳۹-۴۰). همچنین کتاب قانون بعدها در سال ۱۱۰۶ دگرباره توسط میرقوام‌الدین سیفی منظوم گردید (۴۱).

نتیجه‌گیری

بدان‌گونه که در دوران اسلامی مشهود است با رخداد‌های مهمی همچون تشکیل امپراتوری اسلامی که تمدن‌های مهمی همچون ایران و هند و مصر و برخی ممالک غربی را دربر گرفت و همچنین شکل‌گیری نهضت ترجمه که رویکرد مطلوبی به تألیفات دیگر ملل را آغاز کرد، آثار بسیار مهمی در زمینه پزشکی و داروشناسی نگاشته شده و یا ترجمه گردید. در این میان برخی از این آثار در سده‌های نخستین اسلامی مورد توجه عام و خاص گشته و به ویژه اساتید پزشکی برای تربیت و آموزش دانش‌پژوهان و دانشجویان پزشکی از آن‌ها در طول سال‌های تحصیلی بهره‌ها بردند. لازم به ذکر است که در بین این آثار، گرچه در ابتدا برخی متون ترجمه‌ای مانند

تألیفات منسوب به بقراط و آثار جالینوس شهرتی خاص داشت، اما با ظهور پزشکانی چون رازی و ابن سینا، طبری و جرجانی بیشتر به آثار پزشکان ایرانی توجه گردید. به دیگر سخن با وجود اینکه جامعه اسلامی از آثار ترجمه‌ای مزبور و پزشکان خوزی دست نشست و در کنار پزشکان ایرانی در مرکز خلافت و مغرب اسلامی پزشکان و آثار مهمی ظهور کردند، اما در سده‌های چهارم و پنجم قمری و روزگاری که دانش در قلمرو اسلامی هنوز افول نیافته و عصر زرین امپراتوری اسلامی به شمار می‌رفت، این تألیفات پزشکان ایرانی بود که بیشترین حامیان را در جامعه پزشکان داشت و طالبان دانش پزشکی برای آموزش در رشته‌های مختلف طبی بدان‌ها رجوع می‌کردند و حتی برای آموختن آن‌ها ملاک سنجش این آثار به شمار می‌رفت. افزون بر جامعیت و قوت علمی متون مزبور که به سبب سختی و اعتبار به تدریج و در سنوات مختلف تحصیلی به ترتیب مورد تدریس قرار می‌گرفت، یکی از دلایلی که اقبال از این آثار را در نزد دانشجویان و دانش‌پژوهان علم طب بیش از آثار دیگر می‌نمود ابتکاری بود که برخی از پزشکان در انتقال مفاهیم طبی به دانشجویان و شاگردانشان داشتند. بدین صورت که برخی اطبا به ساده‌نویسی و نگارش کتاب‌هایی مختصر و مفید رو آورده و عده‌ای از پزشکان معروف مانند زکریای رازی و ابن سینا برخی آثار خویش را منظوم گردانیده تا به شیوه آسان‌تری محتویات این آثار انتقال یابد و بهتر در اذهان دانشجویان باقی بماند. بنابراین به سبب اهمیت این روش شاهدیم که برخی متون مهم طبی تلخیص شده و بعضی حتی بعدها پس از ترجمه به زبان شعر بازگو شدند. به هر روی اگر بخواهیم دانش و علوم جامعه پزشکی در سده‌های نخستین اسلامی را دریابیم و به کم و کیف دارایی‌هایی علمی و متد درمانگری آن‌ها پی ببریم، بهترین روش اطلاع از متونی است که در نزد پزشکان و طالبان علم پزشکی مورد استفاده قرار می‌گرفت و برای آموزش دانشجویان پزشکی و آزمون مهارت آن‌ها، بدان آثار رجوع می‌گردید.

مشارکت نویسندگان

حمید کاویانی پویا تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Al-Maqrizi A. Ketab-e al-Mawaeiz and al-Etebar fi Zekr al-Khatat va ala'sar. Baghdad: Bulaq; 1854. p.406-408. [Arabic]
2. Magusi A. Kamel al-Senae al-Tebie' (The complete art of medicine). Translated by Ghaffari S. Tehran: Tehran University; 2009. Vol.1 p.15-17. [Persian]
3. Nizamī-i Arūzī-i Samarqandī A. Four articles. Research by Qazvini M. Holand: Brill Pub; 1948. p.108, 110. [Persian]
4. Ibn Abi Usaibia A. Uyūn ul-Anbā' fi Ṭabaqāt ul-Aṭibbā. Research by Ghazban SJ, Najmabadi M. Tehran: Tehran University; 1970. Vol.1 p. 271-273, 238-258, 497, 502. [Arabic]
5. Elgood CA. Medical History of Persia and the Eastern Caliphate: From the Earliest Times Until the Year A.D. 1932. Cambridge Library Collection - History of Medicine. England: Cambridge at the University Press; 1951. p.178, 238.
6. Sāmarrā'ī K. Mukhtaṣar tārikh al-ṭibb al-'Arabī. Baghdad: Daro al-Horriat Press; 1984. Vol.1 p.337. [Arabic]
7. Al-Qifti. Ta'rikh al-Hukama(The history of sages). Compiled by Daraei B. Tehran: Tehran University; 1992 .p.208. [Persian]
8. Qamari Bokhari A. Al'Tanvir(Illumination). Tehran: Institute of Medical History. Islamic and Complementary Medicine,Iran:University of Medical Sciences; 2008. p.371-372. [Persian]
9. Sezgin F. History of Arabic-Islamic Scienc. Translated by Jahandari K. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2001. Vol.3 p.452, 475-476. [Persian]
10. Ibn Juljul S. Tabaghat al-ateba va alhokama(Classes of physicians and sages). Translated by Emam S. Tehran: Tehran University; 1970. p. 19-20, 172. [Persian]
11. Hunayn ibn Ishaq. Resale Hunayn ibn Ishaq Ela Ali ibn-e Yahya fizekr-e ma tajom men kotob-e Jalinus. Tehran: Mohaghegh Press; 2000. p.5-21. [Persian]
12. Ibn Nadim M. Al-Fehrest. Translated by Tajadod MR. Tehran: Asatir Publications; 2002. p.517, 528. [Persian]
13. Al-Razi MZ. Akhlagh-e al-Tabib. Research by Abdul Latif Mohammed Abed. Cairo: Dar al-Trath al-Araby for Printing & Publishing; 2018. p.18-39. [Arabic]
14. Zigris HA. Well-known Physicians. Translated by Soratgar K, Safari H. Tehran: Amir Kabir; 1992. p.78. [Persian]
15. al-Miowṣilī H. The book of choice in the science of the eye and its causes and treatments with medicine and Hadid. Riyadh: Mohammad Ravas Ghale'chi & Mohammad Zafer Vafae Press; 1991. p.95-97. [Arabic]
16. Ibn Matran A. The book "Bostan al-Atba and Rawdat al-Alba". Research by Mohaghegh M. Tehran: Malek National Library; 1989. Vol.1 p.211-212. [Persian]
17. Ibn Abī 'Uṣaybi'a. History of Physicians. Translated from the Arabic by Dr.L. Kopf with partial annotations by Dr.M. Plessne. Israel: Manusc, Jerusalem; 1971. Vol.1-3 p.502. [Arabic]
18. Sāmarrā'ī K. Mukhtaṣar Tārikh al-Tibb al-Arabī. Beirut: Al-Nidhal Printing; 1990. Vol.2 p.416-417. [Arabic]
19. Biruni A. Al-Sidana fi al-Tib; Pharmacology in Medicine. Translated from the Russian by: Mozafarzade B. Tehran: The Academy of Persian Language and Literature; 2004 .p.13, 42, 57, 156-161. [Persian]
20. Al-Jāhiz A. Al-Bakhla. Cairo: Dar al-Maaref; 1948. p.35. [Arabic]
21. Sarton G. Introduction to the History of Science. Carnegie: Institution of Washington; 1927.
22. Sezgin F. Geschichte des Arabischen shiftuma. Leiden (Holand): Brill Pub; 1967. Vol.4 p.410-411.
23. Harawī A. Kitab al-Abniya 'an Haqa'iq al-Adwiya. Compiled by Bahmaniar A, Mahbobi Ardakani H. Tehran: Tehran University; 1967. p.10-18. [Persian]
24. Subki T. Tabaqat al-shafiya al-Kubra. Compiled by al-Tanaji M. Aleppo: Al-Halbi Publisher; 1964. p.108. [Arabic]
25. Monavvar M. Asrar al-Tawhid fi Maghamat al-Sheikh Abusa'id(The works of monotheism in the articles of Sheikh Abusa'id. Tehran: Mohammad Reza Shafiee Kadkani Press; 1987. sec.1 p.376. [Persian]
26. Ibn Jamā'ah M. Tadhkirat al-Sāmi wa al-Mutakallim fi adab al-Ālim wa al-Muta'allim. Beirut: Hyderabad India;1975. p.150. [Arabic]
27. Ghunaymah A. The history of islamic great universities. Translated by Kassai N. Tehran: Yazdan Press; 1945. p.326. [Persian]
28. Kavyani Pooya H. Medical history of ancient Iran. Tehran: Almaei Press; 2014. p.150-157. [Persian]

29. Nasr SH. Science and civilization in Islam. Tehran: Elmi & Farhangi Press; 1980. p.80. [Persian]
30. Al-Rohawi I. physician courtesy. Compiled by Sezgin F. Frankfurt: No Name; 1985. p.184-192. [Arabic]
31. Qarshi M. Malm Alqrbh fi Ahkam-e al-Hasbeh. Egypt: M.M. Shaban & S.A.E.Motiei Press; 1976. p.257. [Arabic]
32. Mohaghegh MM. Ama-e Alya'd, Dastkari & Jarahi. (Hand operation, surgery, manipulation) Collected texts and articles on the history of medicine and medical ethics in Islam and Iran. Tehran: Sorosh Press; 1995. p.371. [Persian]
33. Ibn Hindu A. Muftah al-Talib va Menhaj al-Tollab(The key to medical knowledge and its students' program). Tehran: Institute for Islamic Studies-McGill University and Tehran University; 1989. p.1. [Persian]
34. Al-Akhawyni Bokhari A. Hidayat al-Muta'allemin fi al-Ṭibb(Guiding students in medicine). Mashhad: Mashhad University Press; 1992. p.14. [Persian]
35. Feldman WM. The Life and Medical Work of Maimonides. Proceedings of the Royal Society of Medicine (Proc Roy Soc Med). 1935; 28(9): 1161-1164.
36. Mustawfi H. Selected History, Zafarnamah. Compiled by Navaie A. Tehran: Amir Kabir Publications; 1985. p.702. [Persian]
37. Ibn Sina A. Urjūza fi teb. Tehran: Dar al-Kotob-e Islamie Press; 2001. [Persian]
38. Hedayat R-GH. Tazkare Riyaz al-Arifin, Investigated and Corrected by Vahedi SR, Zare S. No Place: No Name; No Date. p.200. [Persian]
39. Chaghmini M. Ghanoonche (Little law). Investigated by Estarabadi H. Qom: No Name; 1658. [Persian]
40. Elgood C. Medicine in the Safavid period. Translated by Javidan M. Tehran: Tehran University; 1978. p.134. [Persian]
41. Monzavi A. A copy of the manuscript of the library of the National Library of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Organization of Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran; 1996. Vol.12 p.90-92. [Persian]